

برخلاف همیشه، این روزها سکوتی زیبا در تالارهای بانک مرکزی دانمارک - واقع در ساختمانی زیبا از سنگ مرمر و شیشه - حاکم می‌باشد. زمانی که بودیل نایبو آندرسون (Bodil Nybo Andersen) تصدی امور بانک مرکزی را در سال ۱۹۹۵ به دست گرفت، احتمالاً از چالش‌های پیش رو تصویر اندکی داشت. وی در سال ۱۹۹۷، مجبور شد تا از ارزش کرون (پول رایج دانمارک) در برابر رکود ناشی از بحران آسیا و سپس، یک سال بعد، در برابر بروز بحران دفاع کند. و در سال ۲۰۰۰ هم مجبور شد تا بازارهای پول را از نوسانات احتمالی ناشی از عدم موافقت دانمارکی‌ها با پذیرش یورو به عنوان پول رایج مشترک در دومین دور رای‌گیری در کمتر از یک دهه مصون نگهدارد.

تصمیم به عدم عضویت در اتحادیه پولی و اقتصادی (EMU) اتحادیه اروپا، دانمارک را در حاشیه کشورهای حوزه یورو قرار داد و منجر به از دست دادن نفوذ این کشور بر سیاست اقتصادی گردید. آندرسون که از مفهوم یک کشور "غیر یورو" به خوبی مطلع بود، سعی در تغییر این تصمیم داشت. وی در مصاحبه با مجله Finance & Development گفت: من شخصاً طرفدار پذیرش یورو به عنوان واحد پول مشترک هستم، زیرا پذیرش یورو حوزه فعالیت‌های اقتصادی را در مقایسه با وضعیتی که سیاست نرخ ارز ثابت حاکم است، گسترش می‌بخشد و به این ترتیب، تاثیرگذاری روی سیاست پولی اروپا را تا حد زیادی تقویت می‌کند. همچنین، این امر باعث می‌شود که قدرت مانور بیشتری در سیاست‌های مالی داشته باشیم.

#### صندوق بین‌المللی پول سیستم نرخ ارز ثابت را به عنوان اصل اساسی استراتژی ثابت اقتصاد کلان دانمارک در مدنظر قرار داد.

تجربیات شغلی آندرسون قبل از تصدی امور بانک مرکزی، گنجینه ارزشمندی را برای انطباق با شرایط متغیر در اختیار وی قرار داد و همچنین، باعث شد که وی درک و شناخت لازم در حیطه مالیه خصوصی را به دست آورد. این دو ویژگی مهم به انجام تعهدات وی در زمینه مدیریت پول رایج خرد کشوری که تمامی کنترل‌های سرمایه را کنار گذاشته است، کمک می‌کرد. قبل از انتصاب وی به مقام ریاست بانک مرکزی، او به راحتی توانست از سمت استادی دانشگاه به بخش خصوصی و از آنجا به بخش دولتی انتقال یابد، در حالی که چنین امری تقریباً در کشوری که برخلاف انگلستان، مردم عادت دارند که تنها در

یک مسیر شغلی حرکت کنند، هنوز هم نامعمول به نظر می‌رسد. پس از گذشت چندین سال که وی به عنوان سخنان در دانشگاه کپنهاگ (Copenhagen) فعالیت داشت، در پست بانکدار بخش خصوصی شروع به فعالیت نمود، حرفه‌ای که در سال ۱۹۹۰ منجر به انتصاب وی به ریاست هیات‌مدیره دومین بانک بزرگ دانمارک (Unibank) شد.

اما پس از گذشت کمتر از یک سال، او توانست به عضویت هیات‌ریسه بانک مرکزی دانمارک درآید و پنج سال بعد، تصدی بانک مرکزی را عهده‌دار شود. آندرسون خود می‌گوید: ممکن است که روند شغلی من از پیش تعیین شده به نظر برسد، در صورتی که اینطور نبود.

آندرسون تا سال ۲۰۰۴ برای هفت سال در رده معتبرترین افراد در دانمارک قرار داشت. به نوشته یکی از مجلات تجاری تراز اول دانمارک (Borsens Nyhedsmagasin) وی در میان تعداد معدود زنانی قرار داشت که توانسته بودند جایگاه شغلی بالایی را به خود اختصاص دهند، به طوری که مجله Global Finance در سال ۲۰۰۰ او را در میان ۲۰ زن قدرتمند جهان در امور مالی قرار داد. بخشی از این موفقیت به این علت بود که هیات اجرایی صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۴ اقتصاد دانمارک را به دلیل توانایی در ترکیب دولت رفاهی قوی با اشتغال و رشد بالا، برخوردار از نرخ بیکاری حدود شش درصد (به رغم مشارکت بالای نیروی کار به واسطه استانداردهای اتحادیه اروپا به رقمی بیش از ۷۵ درصد تمامی نیروی کار بالغ)، سهم پایین بدهی دولت از تولید ناخالص داخلی حدود ۴۳ درصد (در مقایسه با متوسط منطقه یورو که بیش از ۷۰ درصد می‌باشد)، مازاد بودجه مستمر و نرخ تورم کمتر از دو درصد مورد ستایش قرار داد، به گونه‌ای که دانمارک بر اساس شاخص‌های رقابت‌پذیری و رشد که در اجلاس اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۴ معرفی شده‌اند، در رده پنجمین اقتصاد رقابتی جهان قرار گرفت.

#### کشوری کوچک با اهدافی بزرگ

آندرسون توانست در ۱۰ سال اول تصدی خود در بانک مرکزی، تجارب ارزشمندی را به دست آورد.

\* کشوری که عضو اتحادیه اروپا بشمار می‌رود. مثل دانمارک و انگلستان، اما بنا بر دلایلی مثل ثبات ارزش پول، می‌تواند از پذیرش برخی از اصول اتحادیه پول اروپا، مثل اتخاذ یورو به عنوان پول رایج مشترک کناره‌گیری کند. واژه انگلیسی آن "Out Country" است که در متن در معنای کشور غیر یورو به کار می‌رود.

## کنترل پول رایج

### یک کشور

### خارج از

### منطقه یورو

### (غیر یورو)\*

مأخذ:

Finance & Development, March 2005

مصاحبه کاملیا آندرسون با بودیل نایبو آندرسون، رییس بانک مرکزی دانمارک  
مترجم: الهام میرتهامی،  
کارشناس پژوهشکده امور اقتصادی

مکزیک، آسیا، روسیه، برزیل و ترکیه که منجر به رهایی سیاست‌های تثبیت نرخ ارز یکی پس از دیگری گردید، توجه صندوق بین‌المللی پول (IMF) به سمت "دیدگاه دوقطبی" معطوف شد. تنها سیاست‌های تثبیت خیلی سخت (Very Hard Pegs) یا پول‌های شناور آزاد (Free Floating Currency) توانستند در کشورهایی که انتقالات سرمایه آزادانه صورت می‌گیرد، تداوم یابند. اما همچنین، حفظ سیاست‌های تثبیت سخت تنها در صورت حمایت از سیاست‌هایی تحقق یافت که می‌توانستند شرایط لازم‌الاجرا را برآورده سازند. لازم به ذکر است که نظام‌های واسطه، حداقل در مورد اقتصادهای باز در برابر جریان‌های سرمایه، به عنوان عامل مستعد در برابر بحران در نظر گرفته می‌شوند.

این دیدگاه طی یک سری جلسات مشاوره‌ای دوساله، به صورت مذاکره فیما بین صندوق بین‌المللی پول در کشور دانمارک بیان شد. طبق گفته‌های خانم آندرسون، هیات‌های نمایندگی در کپنهاگ در مورد روش بانک مرکزی در زمینه اتخاذ سیاست تثبیت توضیحاتی را ارائه خواهند کرد و همچنین، در مورد انعطاف‌پذیری بیشتر سیستم ارزی یا عضویت کامل اتحادیه پولی اروپا تحقیقات لازم را به عمل خواهند آورد، اما با وجود این، او و همکارانش به وضوح اعلام نمودند که ما قصد داریم قواعد بازی را دنبال کنیم و در این راه، از هرگونه تلاشی دریغ نخواهیم کرد. آنگاه پس از یک سری بحث و گفتگوهای طولانی (میان IMF و بانک مرکزی دانمارک) تفاهم متقابلی ایجاد شد و تمامی گزارش‌های IMF طی دهه ۹۰ به

این نتیجه ختم شد که سطح سیاست تثبیت تا زمانی دوام خواهد یافت که دولت دانمارک سیاست‌های حمایتی خود را در مدت مقرر به‌اجرا درآورد. آندرسون تاکید می‌کند که امروزه، مسایل متفاوت هستند. صندوق بین‌المللی پول دیدگاهی بسیار دقیق در مورد سیاست‌های تثبیت نرخ ارز دارد و موفقیت سیاست‌های اقتصادی و پولی دانمارک نیازی به توضیح ندارد. از زمان معرفی پول رایج مشترک در سال ۱۹۹۹، کرون در برابر یورو ثابت مانده است و در دامنه بسیار محدودی در مکانیزم نرخ ارز اروپا ۲،

دانمارکی‌ها برای بار دوم به این پرسش رای منفی دادند، اما عدم‌پذیرش یورو چه مفهومی برای سیاست پولی در پی داشت؟ در حالی که دوره زمانی برای آماده‌سازی مقدمات یک فراندوم به وضوح با مخاطرات بسیاری همراه بود و همچنین، در حالی که پیامد آن هم ناامیدی و یاس برای تمام کسانی بود که در بانک مرکزی سعی داشتند تا زمینه را برای ورود دانمارک به منطقه یورو مهیا سازند، آندرسون به اختصار گفت: مفهوم این پیامد این بود که ما می‌توانیم همان سیاست پولی‌ای را دنبال کنیم که سال‌ها در پی آن بوده‌ایم. سنت قدیمی دانمارک در استفاده از نرخ ارز به عنوان یک لنگر اسمی، به سیستم نرخ ثابت برتون وودز که در سال ۱۹۷۳ برچیده شد، برمی‌گردد. مطابق گفته‌های آندرسون،



② عمل به وعده‌های طی سالیان متمادی و منحرف‌نشدن از مسیر اصلی، همان عاملی است که اعتبار می‌آفریند.

سیاست در برخی دوره‌ها عملکرد موفق و در سایر دوره‌ها موفقیت کمتری دارد، اما از اوایل دهه ۸۰، سیاست نرخ ارز ثابت ستونی محکم برای سیاست اقتصادی دانمارک بوده است.

### حرکت بر خلاف روند

به‌هرحال، از دید عموم، حفظ سیاست تثبیت کرون در برابر مارک آلمان و از سال ۱۹۹۹ به بعد، در برابر یورو، بهترین روش برای تداوم سیاست پولی بشمار می‌رود. به دنبال بروز بحران‌های مالی در

درواقع، این برهه از زمان، وقتی بود که دولت دانمارک برای تصویب معاهده ماستریخت که شامل طرحی کلی برای اتحادیه اروپا بود، درخواست فراندوم کرد. همچنین، مقاومت در برابر کنارگذاشتن اسکناس و مسکوکات ملی در سرتاسر اتحادیه اروپا به شدت رشد یافته بود و رشد اقتصادی پایین هم تحقق پیش‌شرط‌های لازم در جهت الحاق به اتحادیه پولی اروپا را برای بسیاری از کشورها دشوار ساخته بود. در حالی که کاهش چشمگیر در نرخ‌های بهره کمک مهمی در این راستا بشمار می‌آمد، شرکت‌کنندگان در مکانیزم نرخ ارز اروپا (European Exchange Rate Mechanism) سیاست بوندزبانک (Bundes Bank) نداشتند. این

سیاست عبارت بود از بالانگهداشتن نرخ‌ها در مناقصه‌ای به منظور کنترل تورم پس از یکسان‌سازی مجدد نرخ ارز در آلمان. سپس عدم‌پذیرش رسمی پول رایج واحد (یورو) از سوی دانمارک به دلیل یاس و ناامیدی موجود در منطقه قوت گرفت، ناآرامی و آشفتگی بازارهای ارز را در کام خود فروبرد و کشورها مجبور شدند که به کرات برای دفاع از ارزش پول رایج خود در مکانیزم نرخ ارز اروپا، نرخ‌های بهره را افزایش دهند. تمامی این عوامل زمینه‌ساز بروز یک بحران جدی شدند که بیشتر پول‌های رایج در مکانیزم نرخ ارز اروپا، از جمله کرون دانمارک را دربرمی‌گرفت. آندرسون می‌گوید: این بحران به راستی وحشتناک بود. کشوری مثل انگلستان مکانیزم نرخ ارز اروپا را رها کرد، اما کشورهای دیگر سعی کردند تا زمینه‌ای را برای تحرک پول‌های رایجشان در دامنه‌ای

گسترده‌تر فراهم سازند. دانمارک نیز سعی داشت تا به دامنه محدود پیشین خود در چند سال قبل با همان برابری قدیمی و بدون مشکل عمده برگردد.

اگرچه دانمارک پس از آن تصمیم گرفت که از روش انگلستان تبعیت کند و از پذیرش یورو به عنوان پول واحد خودداری نماید، اما در سال ۲۰۰۰، دولت دانمارک تصمیم گرفت که فراندوم دیگری را برگزار کند. در این فراندوم باید معلوم می‌شد که آیا این کشور بایستی به منطقه یورو ملحق شود یا خیر؟ در آن هنگام به رغم حمایت تمامی احزاب سیاسی بزرگ،

(EEM2)، مکانیزمی که از زمان رواج یورو جایگزین مکانیزم نرخ ارز اروپا (ERM) شد، معامله می‌شود. در جدیدترین ارزیابی‌های صورت‌گرفته پیرامون اقتصاد دانمارک، صندوق بین‌المللی پول سیستم نرخ ارز ثابت را به عنوان اصل اساسی استراتژی ثبات اقتصاد کلان دانمارک در منظر قرار داد و گفت: حاشیه اندک در نرخ‌های بهره، در مقایسه با منطقه یورو، گواهی بر قابلیت اعتباری سیاست تثبیت است. آندرسون در این زمینه اذعان داشت که "بازارهای کشور ما از ثباتی برابر با ثبات منطقه یورو برخوردارند."

آیا آندرسون تا حدودی این موفقیت را ناشی از این حقیقت می‌داند که بازارها و مردم به چیزی که او می‌گوید، اعتقاد دارند؟ در کل داشتن اعتبار به عنوان یک عامل حیاتی، از وظایف رییس بانک مرکزی بشمار می‌رود. آندرسون این حقیقت را انکار نمی‌کند، اما با خنده به این مقوله اشاره می‌کند که ثبات کرون تا حدودی ناشی از مهارت‌های ارتباطی اوست. وی می‌گوید: قابلیت اعتباری، به واسطه رییس‌بودن من به وجود نیامده است، بلکه ناشی از وفای به عهد بانک مرکزی و دولت به آن چیزی است که وعده داده‌اند. در واقع، عمل به وعده‌ها طی سالیان متمادی و منحرف‌نشدن از مسیر اصلی، همان عاملی است که اعتبار می‌آفریند.

این فلسفه با این حقیقت همراه است که یک نظام نرخ ارز بر مبنای تثبیت سخت، بسیار شفاف است و به محض این که قابلیت اعتباری به وجود می‌آید، دیگر نیازی به توضیح بیشتر ندارد. در مقابل سیاست قدیمی هدفگذاری عرضه پول، درک موفقیت یا شکست نظام ارزی، در زمانی که نرخ ارز به عنوان یک لنگر اسمی در نظر گرفته می‌شود، آسان است. در واقع، نگاه به نرخ ارز روزانه میان کرون و یورو تنها کاری است که بازارها مجبور هستند انجام دهند. در مقابل، هدفگذاری تورم نیاز به ارتباطات خارجی بیشتری دارد، زیرا بر مبنای پیش‌بینی‌های تورم آتی صورت می‌گیرد. آندرسون، همچنین، بیان می‌کند که یک سیاست بر مبنای نرخ ارز، در زمانی که شما قابلیت اعتبار دارید، نظام بدون مشکلی است، به این دلیل که وقتی بازارها پیش‌بینی می‌کنند که در اینجا انتقالات می‌توانند به راحتی صورت پذیرند، آنها به جای بانک مرکزی، به اصطلاح نوعی "حُدس ثبات (Stabilizing Speculation)" انجام می‌دهند.

## حفظ نظام مالی

وقتی کشوری مثل دانمارک - که از هرگونه تغییر نرخ از سوی بانک مرکزی اروپا، ظرف چند ساعت و به همان میزان تبعیت می‌کند - از انعطاف‌پذیری در سیاست پولی و نرخ ارز صرف‌نظر می‌کند، چاره‌ای جز تداوم‌بخشیدن به سیاست مالی مناسب ندارد تا این که اعتماد بازارها نسبت به توانایی بانک مرکزی در حفظ ارزش پول رایج از بین نرود.

دانمارک از این قاعده مستثنا نیست. یک سیاست مالی سالم، عامل اساسی برای تثبیت کرون است، به طوری که کشور دانمارک از سال ۱۹۹۷، با مازاد بودجه مواجه شده است. این مهم به دولت امکان می‌دهد تا بدهی‌اش را از سطح تقریباً بالای ۸۰ درصد GDP در سال ۱۹۹۳، به سطح اندک فعلی، یعنی به حدود ۴۳ درصد کاهش دهد. آندرسون این تعهد نسبت به احتیاط مالی در رویارویی با بحران مالی در اواخر دهه ۷۰ را معتبر می‌شمارد، یعنی دوره‌ای که طی آن دانمارک به سمت پرتگاه عمیقی پیش می‌رفت.

پس از این بحران، اجماع نظر قوی سیاسی در طرفداری از ادغام و انسجام مالی پدید آمد. در سال ۱۹۹۷، اتحادیه اروپا پیمان "ثبات و رشد" (SGP) را اتخاذ نمود. این پیمان اعضای اتحادیه اروپا را به محدودکردن کسری‌های مالی‌شان به سه درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) ملزم می‌سازد، تعادل مالی میان‌مدت را هدف قرار می‌دهد و در صورت مرتفع‌نشدن این الزامات، محدودیت‌هایی را تعیین می‌نماید. اگرچه تنها اعضای اتحادیه پولی اروپا مجاز به مشارکت در این پیمان هستند، اما تمامی اعضای اتحادیه اروپا به واسطه اهداف مطرح‌شده در این پیمان محدود شده‌اند. امروزه، در عین حال که بیش از نیمی از اعضای اتحادیه پولی اروپا مشمول مفاد پیمان SGP نیستند، دانمارک با برخورداری از مازاد مناسبی حدود یک تا دو درصد، به واسطه منابع مالی دولتی کاملاً می‌تواند مقتضیات این پیمان را برآورده سازد، به طوری که این امر مهم کمک موثری برای آماده‌سازی کشور در رویارویی با یک جامعه در حال پیرشدن و نیروی کار روبه‌کاهش بشمار می‌آید.

آندرسون در پاسخ به این سوال که آیا مقتضیات حفظ یک نرخ ارز ثابت در برابر یورو انسجام مالی را هدایت می‌کند؟ می‌گوید: سخن در مورد این که کدامیک اول می‌آید، دشوار است. دقیقاً نمی‌توان گفت که سیاست نرخ ارز به ترویج نظم مالی کمک می‌کند،

چرا که نظم مالی نیز برای امکان‌پذیرشدن سیاست نرخ ارز عامل مهمی بشمار می‌آید. در واقع، این مهم به همراه دیگر ابتکارات سیاست‌های شفاف‌سازی که در دهه ۸۰ اتخاذ گردیدند، تماماً بخشی از مجموعه‌ای هستند که چارچوب اقتصاد کلان دانمارک را تشکیل می‌دهند.

با توجه به موفقیت دانمارک در ثبات مالی و نقش کلیدی این امر در حفظ نرخ ارز ثابت، شاید چندان تعجب‌برانگیز نباشد که بانک مرکزی دانمارک یک موضع جنگ‌طلبانه را اتخاذ نماید. در بحث جاری پیرامون تسهیل شرایط و مقتضیات پیمان ثبات و رشد، آندرسون و همکارانش در بانک مرکزی بنا به بسیاری از دلایل تحت فشارهای عصبی قرار گرفته‌اند. آنها مخالف تغییراتی هستند که منجر به کاهش محدودیت‌های بودجه می‌شود. آندرسون می‌گوید: قوانین بد نیستند، بلکه قوانین به طور کامل اجرا نمی‌شوند و از آنها به خوبی تبعیت نمی‌شود.

## داشتن اعتبار به عنوان یک عامل حیاتی، از وظایف رییس بانک مرکزی بشمار می‌رود.

آیا دانمارکی‌ها می‌توانند تجربیات خودشان در مورد مدیریت اقتصاد کلان را به سایر کشورهای اتحادیه اروپا، به ویژه ۱۰ کشور عضو جدید، بیاموزند؟ چند تا از این تازه‌واردان، از قبیل دو جمهوری کوچک بالتیک (استونی و لیتوانی) به همراه دانمارک که از محدودیت‌های بسته‌ای برخوردار است، توانسته‌اند با هدف اتخاذ یورو و اثبات توانایی‌شان در حفظ ثبات پول رایج خود حداقل برای دو سال، به مکانیزم نرخ ارز اروپا ۲ ملحق شوند. بیشتر کشورها مثل لتونی و جمهوری بالتیک سوم هم برنامه‌ریزی کرده‌اند تا به زودی به این مکانیزم ملحق شوند.

## یک استراتژی همراه با ریسک

اگر شرکت‌کنندگان جدید در مکانیزم نرخ ارز (EMR2) به این پند و اندرز توجهی نکنند و بروز بحران را در نظر نگیرند، چه چیزی ممکن است به وقوع بپیوندد؟ آیا کرون به واسطه شیوع بحران، به همانگونه که در سال ۱۹۹۳ به وقوع پیوست، به اجبار از سیاست تثبیت خارج خواهد شد؟ ویلیام بویتِر (Willem Buiter)، اقتصاددان ارشد بانک اروپایی

ترمیم و توسعه در مقاله‌ای پیشنهاد می‌کند که هرگونه تلاشی از سوی یک کشور عضو برای استفاده از مکانیزم نرخ ارز ۲ در جهت پوشش سیاست‌های داخلی ضعیف، ممکن است با خطر چندین‌بار شدن همراه باشد، همانند موردی که در اوایل دهه ۹۰ صورت گرفت. او چنین استدلال می‌کند که بدون قوانین جدید برای عضویت در منطقه یورو، کشوری که آمادگی پذیرش یورو را ندارد، اما به مکانیزم نرخ ارز ۲ اروپا ملحق می‌شود، می‌تواند به سایر کشورهای اتحادیه اروپا لطمه وارد کند.

آندرسون، به ویژه ریسک بروز بحران و اشاعه آن در سراسر منطقه را نادیده نمی‌گیرد. او به این نکته اشاره می‌کند که احتمال وقوع بحران را نباید نادیده گرفت، اما من فکر نمی‌کنم که آن مساله بزرگی برای ما باشد. او به ذخایر عمده بانک مرکزی و به این حقیقت اشاره دارد که مکانیزم نرخ ارز ۲ دارای ساختاری متفاوت نسبت به مکانیزم نرخ ارز اروپا است، زیرا در این مکانیزم تمامی پول‌های رایج در یک شبکه متصل به هم هستند. رویکرد جدید، کانون و پرده‌ها (Hub-and-spokes) به این معناست که پول‌های رایج چندین ارتباط مستقیمی با یکدیگر ندارند، اما رابطه آنها با یورو مستقیم است و این همان عاملی است که احتمال سرایت بحران را کاهش می‌دهد. آندرسون در پاسخ به این سوال که آیا او برنامه‌ای در دستور کار خود دارد؟ به سادگی پاسخ می‌دهد که هرگز نباید نسبت به اینگونه مسایل بی‌توجه بود.

بنابراین، می‌توان گفت که اتخاذ یورو یک استراتژی خروجی برای دانمارکی‌هاست. اما قبل از وقوع چنین امری، سومین رفراندوم نیز بایستی برگزار شود. آندرسون بر این باور است که اتخاذ یورو نه تنها انعطاف‌پذیری بیشتری را در سیاست اقتصادی به وجود می‌آورد، بلکه همچنین در زمان اتخاذ تصمیمات مهم در ستادهای بانک مرکزی اروپا واقع در فرانکفورت، می‌تواند فرصتی را برای ارایه نظریات و پیشنهادهای کشور دانمارک پدید آورد.

### هزینه "غیر یورو بودن"

البته برای خارج‌ماندن از اتحادیه پولی اروپا، نوعی تضاد آشکار در تصمیم دانمارک به چشم می‌خورد. کسانی که به اتخاذ واحد پولی یورو رای منفی دادند، در واقع، خواستار حفظ استقلال کشورشان

در برابر بروکسل هستند. با وجود این، نتیجه این حرکت آن است که دانمارک، در حال حاضر، قادر به انجام کاری نیست، جز این که از هرگونه تغییر در بانک مرکزی اروپا تبعیت کند، بدون این که از توانایی لازم برای نفوذ بر تغییرات، به‌هر روش ممکن، برخوردار باشد. آندرسون و همکارانش از شبکه‌های شخصی برای دخالت در - یا حداقل برای آگاهی از - دستاوردهای مهم سیاستی استفاده می‌کنند. اومی‌گوید: خوشبختانه، شماری از افراد در موقعیت‌های بالایی شغلی در بانک مرکزی فعالیت می‌کنند که دارای تجربه بسیاری نیز هستند و ما در واقع، خود دارای شبکه بزرگی هستیم.

وقتی شما متعلق به کشور کوچکی هستید، شبکه‌سازی نه تنها در سطح اروپا، بلکه در سطح بین‌المللی دارای اهمیت بسیاری است. به همین دلیل، آندرسون برای همکاری با صندوق بین‌المللی پول، اصول مشابهی را اعمال می‌کند. او خود عضو هیات‌ریسه صندوق بین‌المللی پول، یعنی بالاترین عضو تصمیم‌گیری در این سازمان است. او می‌گوید: ما نسبت به این حقیقت آگاهیم که کشوری کوچک هستیم و صندوق بین‌المللی پول یک سازمان بین‌المللی است و بنابراین، میزان نفوذ ما بر روند مسایل بسیار محدود است. دانمارک عضو حوزه انتخاباتی (Constituency) نوردیک - بالتیک است و سایر اعضای آن عبارتند از فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد و همچنین، استونی، لتونی و لیتوانی به طوری که کل قدرت رای کشور ما تنها حدود ۳/۵۲ درصد است.

خوشبختانه، تصمیمات IMF، به جای رای‌گیری رسمی، معمولاً از طریق مذاکره در هیات اجرایی و تحقیق غیررسمی برای اجماع نظر در میان کشورها شکل می‌گیرد و کشورهای نوردیک نیز می‌توانند از اقتدار اخلاقی ویژه خود استفاده کنند. نه تنها چهار تا از شش اقتصاد بسیار رقابتی جهان در اسکانندیناوی مستقر هستند، بلکه همچنین کشورهای نوردیک از سخاوتمندانه‌ترین ارابه‌دهندگان کمک‌های مالی برای توسعه خارجی، برحسب شرایط نسبی، بشمار می‌روند. آندرسون می‌گوید: در داخل این حوزه (انتخاباتی)، جریان مباحث آزاد و گاه‌گاهی با حرارت دنبال می‌شود و بیشتر تصمیماتی که هیات اجرایی اتخاذ می‌کنند، پیوسته به نظر و تصمیم سرمایه‌داران بستگی دارد. روند کار همانند آن حوزه‌هایی نیست که شما به عنوان یک کشور عضو دارای اقتدار و نفوذ لازم هستید.

### کاملاً موفق

آندرسون همیشه از تغییرات استقبال کرده است و به نظر می‌رسد که بخشی از موفقیت او به عنوان یک اقتصاددان هم ناشی از انطباق‌پذیری با شرایط است. او اعتقاد دارد که بایستی از تمامی زندگی درس آموخت. وقتی او در سن ۶۵ سالگی بازنشسته شود، می‌داند که طی دوره تصدی‌اش در حصول اطمینان از ثبات کرون در تمامی شرایط موفق بوده است، عنصری که برای نیل به عملکرد اقتصادی قوی در دانمارک حایز اهمیت می‌باشد. اگرچه سیاست مالی و اصلاحات ساختاری، به ویژه نقش مهمی را ایفا کرده‌اند، اما بانک مرکزی نیز در ایجاد این شرایط کمک بسزایی بشمار آید. آندرسون همچنین، با توسعه قابلیت اعتباری سیاست تثبیت قاطعانه سعی داشت تا از بانک مرکزی بازیگر معتبری در سیستم اروپایی بانک‌های مرکزی خلق کند و به دنبال آن، بتواند به رغم موقعیت کشور که خارج از منطقه یورو قرار دارد، رابطه آن را با سیستم اروپایی بانک‌های مرکزی حفظ کند. از این رو، انتخاب جانشین مناسب برای آندرسون نیاز به تفکر بسیار و در نظر گرفتن جوانب لازم دارد. باید کسی برگزیده شود که بتواند ترکیب آندرسون - یعنی همان اراده قوی، و توانایی فکری در انطباق با چالش‌های جدید - را حفظ نماید.

### رابطه خاص دانمارک با اتحادیه اروپا

وقتی که دانمارک در سال ۱۹۹۲، به معاهده ماستریخت رای مخالف داد، تقریباً اجرای این معاهده در سراسر اتحادیه اروپا بر هم خورد، به طوری که تمامی کشورهای عضو بایستی هرگونه تغییر در چارچوب قانون اساسی اتحادیه اروپا را تایید می‌کردند. سپس در تلاش برای پیروزی بر دانمارکی‌های منتقد به اتخاذ یورو، دولت سریعاً رفراندوم جدیدی را برگزار کرد، به طوری که به واسطه آن دانمارک توانست طی رابطه خاصی با اتحادیه اروپا از چهار گزینه معاهده ماستریخت کناره‌گیری کند و خود را خارج از چهاربند معاهده قرار دهد:

۱- الزام به اتخاذ یورو.

۲- تابعیت اتحادیه.

۳- الزام به مشارکت در برنامه دفاع عمومی.

۴- الزام به قبول سیاست‌های مهاجرت و

پناهندگی سیاسی.